فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یازدهم، شماره دوم (پیاپی ۴۰)، تابستان ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۸۸-۱۶۵ مقاله پژوهشی

فعالیت‌های تولیدی کوچک غیرکشاورزی روستایی در چنبره روابط قدرت مورد: استان آذربایجان غربی

علی‌اکبر تقیلو؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
ناصر سلطانی*؛ استادیار جغرافیا سیاسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

چکیده

فعالیت‌های تولیدی کوچک غیر کشاورزی روستایی یکی از استراتژی‌های متنوع‌سازی اقتصاد روستایی با هدف تحقق توسعه پایدار روستایی است. یکی از استراتژی‌های اصلی دولت جهت کاهش وابستگی معیشت روستاها به بخش کشاورزی و کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی حوضه آبریز دریاچه ارومیه، توسعه فعالیت‌های تولیدی کوچک غیر کشاورزی بوده است؛ اما در اجرای آن در روستاهایی که کشاورزی به‌صورت گسترده همانند دشت نازلو انجام می‌شود، موفقیت چندانی به دست نیاورده است. این تحقیق در چارچوب تئوری روابط قدرت، روش‌شناختی کنشگر شبکه و با مصاحبه‌های عمیق انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۱) حمایت‌های مالی، قانونی، بیمه‌ای، تشکیلاتی و ...، دولت از مشاغل کافی نبوده است؛ ۲) تلقی دولت از مشاغل کوچک روستایی به‌واسطه بخشودگی مالیاتی، اعطای یارانه‌ها، ارائه تسهیلات کم‌بهره، ارائه آموزش‌های رایگان و ...، تحمیل هزینه به دولت می‌باشد؛ ۳) تضاد منافع مابین فعالین مشاغل کوچک غیر کشاورزی با صنایع بزرگ شهری مشهود می‌باشد و ۴) اعمال محدودیت‌های فروش بر محصولات تولیدی مشاغل کوچک غیر کشاورزی با تولید گفتمان‌هایی چون غیربهداشتی بودن و غیراستاندارد بودن محصولات تولیدی صورت می‌گیرد؛ و در نهایت، ۵) روابط نابرابر قدرت میان ذینفعان، موجب شکاف توسعه شهر و روستا شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، فعالیت تولیدی، متنوع‌سازی اقتصاد روستایی، آذربایجان غربی.

* n.soltani@urmia.ac.ir

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

۱) مقدمه

فعالیت‌های تولیدی کوچک غیر کشاورزی روستایی یکی از استراتژی‌های متنوع‌سازی اقتصاد روستایی با هدف تحقق توسعه پایدار روستایی است (Gautam & Andersen, 2016). متنوع‌سازی منجر به بهبود وضعیت مالی، کاهش عدم قطعیت و خطر، رشد خدمات بازارها، افزایش قدرت ریسک، افزایش و گسترش ارتباطات اجتماعی (Barbieri & Mahoney, 2009) می‌شود.

در استان آذربایجان غربی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه برای کاهش وابستگی معیشت روستاها به بخش کشاورزی، توسعه فعالیت‌های تولیدی کوچک غیر کشاورزی و وابسته به کشاورزی که در این تحقیق فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی تعریف می‌شود، یکی از استراتژی‌های اصلی دولت جهت کاهش مصرف آب در کشاورزی بوده است. پایین بودن شاخص‌های کلیدی اقتصادی استان از میانگین کشوری، توجه به توسعه فعالیت ازجمله مشاغل خانگی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، امری که حتی اقتصادهای توسعه‌یافته و پیشرو صنعتی دنیا چون آمریکا، انگلستان و استرالیا نیز از آن غفلت ننموده‌اند (Walker, et al. 2008). نرخ بیکاری ۱۴,۳ درصدی استان در مقایسه با ۱۲,۱ درصدی میانگین کشور در سال ۱۳۹۶، رتبه ۲۸ در تولید سرانه بدون احتساب نفت، بالا بودن شاخص کل بهای کالا و خدمات مصرفی خانوارهای استان (۱۰۸,۷) نسبت به متوسط کشوری (۱۰۸,۲)، در سال ۱۳۹۶ گویای وضعیت نه‌چندان خوشایند استان در بخش اقتصادی است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۶). اشتغال بالای نیروی کار استان آذربایجان غربی در بخش کشاورزی (۳۰,۶ درصد در مقایسه با ۱۷,۵ درصد میانگین کشوری در این بخش) ازیک‌طرف و درصد اشتغال پایین نیروی کار ۱۰ ساله و بیشتر استان در بخش صنعت و خدمات (به ترتیب با ۲۴,۶ درصد و ۴۴,۹ درصد در مقایسه با ۳۲,۳ درصد و ۵۰,۲ درصد میانگین کشوری در این دو بخش)، فشار مضاعفی بر منابع پایه چون آب‌وخاک ایجاد می‌نماید و توسعه مشاغل خانگی برای کاهش فشار از بخش کشاورزی ضروری می‌نماید. (وزارت تعاون، کار، رفاه اجتماعی، ۱۳۹۷)

بنابراین فعالیت‌هایی همچون تولید عرقیات و ترشیجات، تولید رب، تولید و فرآوری لبنیات، تولید چیپس میوه و... ازجمله فعالیت‌هایی هستند که دولت در این روستاها به گسترش آن‌ها تأکید دارد. ارائه تسهیلات با بهره پایین، حذف مالیات، ارائه یارانه‌های انرژی و بیمه، آموزش رایگان و... بخشی از اقدامات دولت در توسعه مشاغل تولیدی کوچک روستایی بوده اما نتیجه آن در عمل چندان مطلوب نبوده است. با نگاه به آمار تسهیلات پرداختی وزارت کار و رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۹۸)، مشخص می‌شود که از کل فعالیت‌هایی که تسهیلات پرداخت شده، حدود ۶۶,۵ درصد برای پرورش گاو و گوسفند بوده است و مابقی به فعالیت‌های غیر کشاورزی و مکمل فعالیت‌های کشاورزی تخصیص یافته است. از این مقدار نیز بیشتر فعالیت‌ها خدماتی بوده و جنبه تولیدی ندارد و تنها ۱۴,۸ درصد فعالیت‌های تولیدی بوده است. در تضاد با نتایج مطالعات دوتا[1] (2020) در بنگال غربی هندوستان، روستائیان منطقه موردمطالعه،

1) Dutta

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی کشاورزی را نسبت به فعالیت‌های غیر کشاورزی ترجیح داده‌اند و تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مکمّل کشاورزی و غیر کشاورزی از خود نشان نداده‌اند.

در مفهوم توسعه یک نکته ظریفی وجود دارد که همیشه با تقابل‌های دوگانه در انتخاب راهبردها همراه بوده است؛ هدف ما تبیین تقابل‌های دوگانه نیست بلکه ما می‌خواهیم بگوییم که این تقابل‌های دوگانه، مسئله بزرگی را خلق کرده است. بر این اساس، در برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی، این فعالیت‌ها به‌صورت مستقیم در برابر صنایع بزرگ و متوسط شهری، دانش بومی و سنتی در برابر دانش نوین، تولید ارگانیک در برابر تولید انبوه و غیر ارگانیک قرار می‌گیرد. محل رقابت آن‌ها کیفیت و کمیت تولید، بازار و به‌طورکلی توزیع منافع است. علاوه بر تقابل‌های رقابتی مستقیم این فعالیت‌ها، به‌طور غیرمستقیم، روستا در برابر شهر، مصرف‌کننده در برابر تولیدکننده، بخش خصوصی در برابر بخش دولتی و کارگر با کارفرما در برابر هم قرار می‌گیرند که در تاریخ توسعه توجه به یکی از آن‌ها توزیع منافع توسعه را نابرابر کرده است. این تناقضات، رقابت عمیقی را برای فعالان آن‌ها در برابر همدیگر ایجاد کرده است و در کارزار این رقابت تضعیف "یکی"، "دیگری" را توسعه داده است. با الهام از مفهوم قانون سوم نیوتن به نقل از هلینگمن[1](1992) «هر عملی را عکس‌العملی است؛ مساوی آن و در جهت خلاف آن» و «روابط قدرت» فوکو[2](1980)، می‌توان این مسئله را بدین‌صورت تبیین کرد که شکوفایی فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی تنها ناشی از کنش و اعمال نیروی فعالیت‌های صنعتی شهری با تولیدات مشابه نیست؛ زیرا نیروی «مقاومت» در برابر نیروی «اعمال قدرت» مساوی است و آن چیزی که موجب غلبه رقبا بر همدیگر می‌شود، روابط و شبکه قدرت یک جفت بر جفت دیگر است. بی‌میلی به ایجاد و توسعه فعالیت‌های تولیدی کوچک در روستاها ناشی از عملکرد فنی شرکت‌های بزرگ و حتی متوسط شهری نیست، بلکه ناشی از حاکمیت دوجانبه و نیروهای برهمکنش هم‌زمان جفت‌های فعالیت‌های بزرگ شهری با دیگر عناصر سازنده ساختار قدرت است. به‌عبارتی‌دیگر، ازآنجاکه در بیشتر مناسبات تولیدی و تجاری، بازیگران دخیل در آن برای تحقق اهداف، علایق و منافع خود، درصدد تأثیرگذاری بر سایر بازیگران این زنجیره برمی‌آیند، شکل‌گیری روابط قدرت فی‌مابین بازیگران، گریزناپذیر می‌باشد. (Munson, et al, 1999) لذا با استناد به مطالعات انجام یافته و ادبیات موضوع، به نظر می‌رسد، مسئله توسعه و گسترش فعالیت‌های کوچک غیر کشاورزی در روستاها، مسئله شکل روابط قدرت و نابرابری توانایی‌ها میان ذینفعان این فعالیت‌ها در تصرف بازار، تسخیر ارزش مازاد آن‌هاست که این موضوع در مطالعه مختلف یا مغفول مانده و یا کمتر به آن توجه شده است.

فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی در منطقه آذربایجان غربی از نظر اقتصادی در دو قالب تولید برای بازار و کسب درآمد و تولید برای خودمعیشتی انجام می‌شده است. مبتنی بر مفروضات و ادبیات توسعه پایدار با رویکرد متنوع‌سازی اقتصاد روستایی، هر دو حالت به پایداری معیشت در روستا می‌انجامد. تولید برای خودمعیشتی، بخشی از نیازهای خانوار جامعه روستایی را برطرف می‌نماید و تخصیص درآمد

1) Hellingman
2) Foucault

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

خانوارها برای برطرف ساختن این نیازمندی‌ها را کاهش می‌دهد و از خروج سرمایه از روستاها جلوگیری می‌نماید. بخش دیگر از تولیدات فعالیت‌های کوچک نظیر فرش‌بافی، تولید رب، ترشیجات و عرقیات، اسباب‌بازی و تولید مبل در منطقه موردمطالعه برای فروش در بازار انجام می‌شود و در کسب درآمد برای روستائیان کمک می‌کند؛ بنابراین در مفهوم توسعه پایدار نیز بر ایجاد و گسترش این فعالیت‌ها تأکید شده است.

بنابراین، هدف این نوشتار تبیین عدم موفقیت و کشف علت و معلول در توسعه و ایجاد فعالیت‌های تولیدی غیر کشاورزی در روستاها نیست. بلکه کمک به درک محدودیت‌های ساختاری توسعه و ایجاد فعالیت‌های تولیدی مانند عرقیات و ترشیجات، تولید رب، تولید و فرآوری لبنیات، تولید چیپس میوه از طریق شناسایی و بررسی جفت‌های روابط قدرت و نیروهای برهمکنش این جفت‌ها با استفاده از نظرسنجی افرادی که در این زمینه تجربه بالقوه و بالفعل ایجاد فعالیت‌های کوچک و خانگی در جامعه روستایی را داشته و دارند.

۲) مبانی نظری

تنوع معیشت و فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی

بر اساس تئوری دسترسی، استراتژی تنوع معیشت دسترسی روستائیان را به منافع اقتصادی شامل درآمد، شغل، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی امکان‌پذیر می‌سازد (Barbieri & Mahoney, 2009., Hansson et al, 2013)؛ اما این تنها مزیت این استراتژی نیست. تنوع معیشت علاوه بر منافع اقتصادی، دسترسی خانوارهای روستایی را به شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی تسهیل می‌کند (Gautam & Andersen, 2016) و منجر به گسترش شبکه روابط بین تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و زنجیره‌های تأمین و مصرف می‌شود که روستائیان به دلیل شرایط خاص نظیر دامنه تنگ نقش‌آفرینی اقتصاد روستایی در اقتصاد ملی و جهانی، ضعف درآمدی آن برای دولت (Tipple, 2006) انزوای جغرافیای و تک‌محصولی بودن روستاها و اتکای زیاد به بخش کشاورزی آن‌هم به‌صورت سنتی، از آن بی‌بهره‌اند.

تنوع معیشت در متون توسعه پایدار در چند بعد گسترش پیدا کرده است؛ ۱- تنوع کشت و فعالیت کشاورزی (Meets, 2005; Barbieri & Mahoney, 2009) و ۲- فعالیت‌های خدماتی و صنعتی غیر کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی. تنوع کشت و کشاورزی استراتژی مهمی برای روستائیان در برابر مخاطرات محیطی و انسانی محصولات کشاورزی است و به‌نوعی بیمه طبیعی کشاورزان از قدیم‌الایام بوده است. بر اساس این استراتژی، کشاورزان محصولات مختلفی را جهت افزایش انعطاف‌پذیری و سازگاری با آفات و حوادث طبیعی نظیر خشک‌سالی و دیگر شوک‌های طبیعی کشت می‌کردند و همچنین برای به دست آوردن محصولات مختلف جهت رفع نیازهای خانواده و بازار این استراتژی در جامعه روستایی وجود داشته است. استراتژی کشت متنوع در شرایط نرمال و برابری همه شرایط منافع خانوارهای روستایی را برآورد می‌سازد ولی در دنیای نوین شرایط هیچ‌گاه نرمال نیست. پیچیدگی ارتباطات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مبنی بر منافع دسترسی به ارزش‌افزوده بالا، مشروعیت اجتماعی و حاکمیتی، تغییرات کمی و

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

کیفی عناصر آب‌وخاک این استراتژی را در سطح بالایی در معرض شکنندگی قرار می‌دهد. باوجوداینکه بارت[1] و همکاران (2001)، خان و موریسسی[2](2020) و بالنس و دبب[3](2020) معتقدند که سیاست‌های تنوع معیشت غیر کشاورزی باعث بهبود درآمد و اشتغال شده ولی در منطقه موردمطالعه ما این شرایط تأمل‌برانگیز است، زیرا بسیاری از فعالیت‌های غیر کشاورزی اشتغال‌زایی داشته ولی درآمدزایی نداشته است. بر اساس گزارش سازمان بهزیستی استان (۱۳۹۹)، بسیاری از تولیدات خانگی باوجود تولید در منطقه در بازاریابی مشکل داشته و اکثر تولیدات در دست مردم و تولیدکنندگان باقی مانده است. توسعه فعالیت‌های متنوع کشاورزی، دسترسی روستائیان به شبکه بازار (زنجیره تأمین مواد و مصرف) را با هدف تأمین امنیت غذایی گسترش می‌دهد، اما رفتار دولت در تأمین مواد غذایی با منافع کشاورزان همسویی قابل قبولی ندارد. بر اساس گزارش مرکز مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران در سال ۱۳۹۸ صادرات محصولات نیز باوجود تولیدات زیاد کاهش ۲۶ درصدی داشته است و در مقابل واردات ۲۲,۳ درصد رشد داشته است. در سال ۱۳۹۸ در ایران حدود ۶۸,۵ درصد کل واردات ایران را محصولات غذایی و کشاورزی تشکیل می‌داد که ۶۳۶۳,۶ میلیارد دلار ارزش داشته است که برای ایران که تأکید بر کاهش واردات (جدول، ۱).

جدول ۱. واردات محصولات کشاورزی ۱۳۹۸

نوع محصول	ارزش/ میلیون دلار	سهم از کل واردات ایران
ذرت	۱۵۴۰	۱۶,۷
برنج	۱۱۷۴	۱۲,۷
دانه سویا	۸۳۰,۹	۸,۷
جو	۶۴۱,۸	۶,۹
گوشت قرمز	۶۱۱,۵	۶,۶
قند و شکر	۵۱۹,۲	۵,۶
چای	۳۱۸,۵	۳,۴
کره	۲۸۵,۳	۳,۱
انواع میوه	۲۶۸,۱	۲,۹
سیگار و انواع تنباکو	۱۷۴,۳	۱,۹
مجموع	۶۳۶۳,۶	۶۸,۵

منبع: گزارش مرکز مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران، ۱۳۹۹

دو نکته قابل‌تأمل را از نتایج جدول فوق می‌توان استنباط کرد. اول دولت جهت تأمین مواد غذایی، برنامه‌های ویژه خود را دارد؛ یعنی واردات، کاهش قیمت محصولات کشاورزی از طریق سیاست‌های خاص نظیر قیمت‌گذاری و افزایش تولید محصولات استراتژیک در سبد غذایی است که با اصول تنوع سازی و آزادی انتخاب در تقابل است دوم؛ تنوع کشت و کشاورزی دسترسی به منافع اقتصادی و اجتماعی

1) Barrett
2) Khan & Morrissey
3) Balense & Debebe

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

خانوارهای روستایی را در چارچوب اقتصاد سیاسی امروزی تضمین نمی‌کند. راهبرد دوم، متنوع‌سازی توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی و وابسته به کشاورزی است. این شکل از تنوع معیشت به دو صورت انجام می‌شود ۱- فعالیت‌های خدماتی غیر کشاورزی و وابسته به کشاورزی ۲- فعالیت‌های تولیدی صنعتی غیر کشاورزی و وابسته به کشاورزی. به‌کارگیری این راهبرد در روستاها دارای مزیت‌ها و محدودیت‌هایی بوده است. مزیت این استراتژی، ایجاد ارزش‌افزوده در محصولات کشاورزی از طریق ایجاد فرصت فراوری محصول تبدیل و تکمیل زنجیره آن، توسعه مشاغل تبعی و ایجاد درآمد، دسترسی به شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از روستا، گسترش فرصت تعامل با دولت، سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های زنجیره تأمین و مصرف تولیدات است. محدودیت این فعالیت‌ها در مقیاس منابع انسانی تولید، بازار و فعالیت‌های تولیدی شهری است. اندازه این فعالیت‌ها در جامعه روستایی به‌صورت کارگاهی کوچک و خانگی است (تقی‌بیگی و همکاران، ۱۹۹۳). باوجوداینکه، در این شکل از تولید که شوماخر[۱](2011) آن را اقتصاد به ابعاد انسانی می‌نامد، محصولات باکیفیت، ارگانیک با ردپای اکولوژیکی کمتر تولید می‌شود، در حالت نرمال و برابری همه شرایط، این فرصت بسیار خوبی برای دستیابی به ارزش‌افزوده و منافع اقتصادی بازار ایجاد می‌کند؛ زیرا منجر به تکمیل چرخه و زنجیره اقتصاد کشاورزی، درآمدزایی و حفظ ارزش‌افزوده، گسترش تفکر توسعه و کارآفرینی در روستاها و حفاظت از دارایی‌های خانوار روستایی را به همراه دارد. ولی این شرایط توسط پیشران‌ها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با فعالیت‌های غیر کشاورزی در نقاط روستایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

پیشران‌ها و تعیین‌کننده‌های فعالیت‌های تولیدی غیر کشاورزی

در ادبیات توسعه، صنعت در روستا و صنعتی‌سازی روستایی، سیاست‌های تشویقی، حمایت مالی، یارانه‌ها، نمایشگاه‌های هفتگی، ارائه تسهیلات، توسعه زیرساخت‌ها (Tucker et al, 2010) و... مهم‌ترین پیشران‌های توسعه این بخش از فعالیت‌ها بوده است. در توسعه و گسترش فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی، دولت به‌عنوان متولی و سازمان‌دهی کننده و توسعه‌دهنده است. اصناف و تعاونی‌ها نیز به‌عنوان رابط دولت و تولیدکننده، روستائیان به‌عنوان تولیدکننده و ذینفعان اصلی فعالیت، شهرنشینان به‌عنوان مصرف‌کننده محصولات تولید شده، صنایع شهری با تولید همسان در منطقه مانند اروم آدا، پاکدیس، ساسان شهد، خشکبار ایل سور، خوش دیس و نوشین شهد و دیگر صنایع غذایی بیش از ۴ میلیون تن مواد غذایی تولید می‌کنند که بازار محلی تنها ۳۰ درصد آن را مصرف می‌کند؛ (سازمان جهاد کشاورزی استان، ۱۳۹۹) برای مثال، واحد تولیدی خشکبار مهاباد ۷ تن در روز میوه خشک تولید می‌کند، به‌عنوان رقیب فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی، عناصر مرتبط در شبکه تولیدات کوچک روستایی هستند.

دولت شامل نهادهای ایمن‌ساز، نظارتی، مالی، قانون‌گذار و اجرایی با اقداماتی نظیر گسترش زیرساخت (بند ب ماده ۲۷ برنامه ششم، ۱۳۹۶) حمایت‌کننده مالی و بیمه‌ای، همسو کننده منافع تولیدکننده با مصرف‌کننده، آموزش‌دهنده متقاضیان، ارائه یارانه‌های مالی و مالیاتی تسهیلات، آموزش (بند الف ماده

[۱] Schumacher

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

۲۷ برنامه ششم، ۱۳۹۶)، قانون‌گذار، ایجادکننده بازار و تقویت‌کننده اصناف (بند ه ماده ۷۳ قانون برنامه پنجم، ۱۳۹۰) در توسعه فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی نقش دارد و با ارائه این خدمات پیشران اصلی توسعه این فعالیت‌هاست. البته در این فعالیت‌ها تعاونی‌ها و اصناف نیز با اقداماتی همچون صدور پروانه، نظارت بر عملکرد، آموزش و توزیع کالا (اداره کل تعاون روستایی، ۲۰۲۰) دولت را همراهی می‌نماید، علاوه بر آن، بازار مصرف نقش مهمی در توسعه این فعالیت‌ها دارد و به‌عنوان یکی دیگر از عناصر سازنده شبکه ذینفعان این فعالیت‌ها به شمار می‌رود؛ لذا شهر و شهرنشینان به‌عنوان تأمین‌کننده بازار برای تولیدات و نقش اصلی در بازگشت سرمایه و سود به تولیدکنندگان این فعالیت‌ها بازی می‌کنند. صنایع شهری با تولیدات مشابه به‌عنوان رقیب در ایجاد جفت‌های قدرت با سایر عناصر و تعیین‌کننده‌های فعالیت‌های تولیدی روستایی در کسب و دسترسی به منافع بازار و تولید عمل می‌کند.

در شرایط عادی هر یک از این پیشران‌ها و تعیین‌کننده‌ها نقش مؤثری در توسعه فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی دارد. در شرایط رقابتی (اخلاقی و غیراخلاقی) در فرایند تولید، توزیع و مصرف محصول میان عناصر مؤثر شبکه روابط در توسعه فعالیت‌های کوچک تولیدی روستایی برای کسب منافع مالی بیشتر، تسلط بر بازار و دستیابی به ارزش‌افزوده کالاها و خدمات تولیدشده روابط پیچیده‌ای از قدرت شکل می‌گیرد.

روابط قدرت در تعیین‌کننده‌های فعالیت‌های تولیدی غیر کشاورزی

روابط قدرت برای فوکو (1980) همانند روابط تولیدی کارل مارکس (1867)، اخلاق پروتستانی ماکس وبر (1934) در توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی است. فوکو قدرت را به معنای توانایی تحمیل اراده و نظر بر دیگران جهت به دست آوردن سود و منافع بیشتر تعریف می‌نماید. قدرت در نظر فوکو معنای ذاتی ندارد، بلکه در روابط تولید می‌شود و همراه با مقاومت است. دیکن[1] و دیگران (۲۰۰۱) روابط قدرت را در توانایی بازیگران در رسیدن به فضا از طریق روابط با سایر بازیگران، کدها، مواد و اشیاء و شبکه‌ها در مواقع لزوم تعریف می‌نمایند که بخش مهم آن ایجاد و مدیریت دانش، مفاهیم، رویه‌ها، قوانین و فن‌آوری از طریق فعالیت اقتصادی است (Smith, 2003). با امعان نظر به نقش متنوع‌سازی اقتصاد روستایی در افزایش سطح رفاه، به این نکته باید توجه نمود که رفاه، ناشی از میزان درگیری با شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آید (Gautam & Andersen, 2016) که پورتر نیز در فعالیت‌های اقتصادی در قالب مفهومی افقی شدن قدرت در اقتصاد و مسئله رقابت در بازار و تولید به‌عنوان محور اصلی موفقیت بنگاه تولیدی اشاره کرده است. در درون این شبکه‌ها جهت، مکانیسم و شدت روابط دسترسی به منافع بیشتر اقتصادی و غیراقتصادی جفت‌های روابط قدرت را تعیین می‌کند.

منافع اقتصادی در زنجیره محصول برای بازیگران اهمیت زیادی دارد که از طریق مالیات، بهره وام و تسهیلات، یارانه‌ها، ارزش‌افزوده زنجیره تولید و مصرف ایجاد می‌شود. نحوه جریان منافع اقتصادی، کیفیت روابط بین بازیگران را مشخص می‌کند و این روابط قدرت میان آن‌هاست که در بسیاری از موارد

1) Dicken

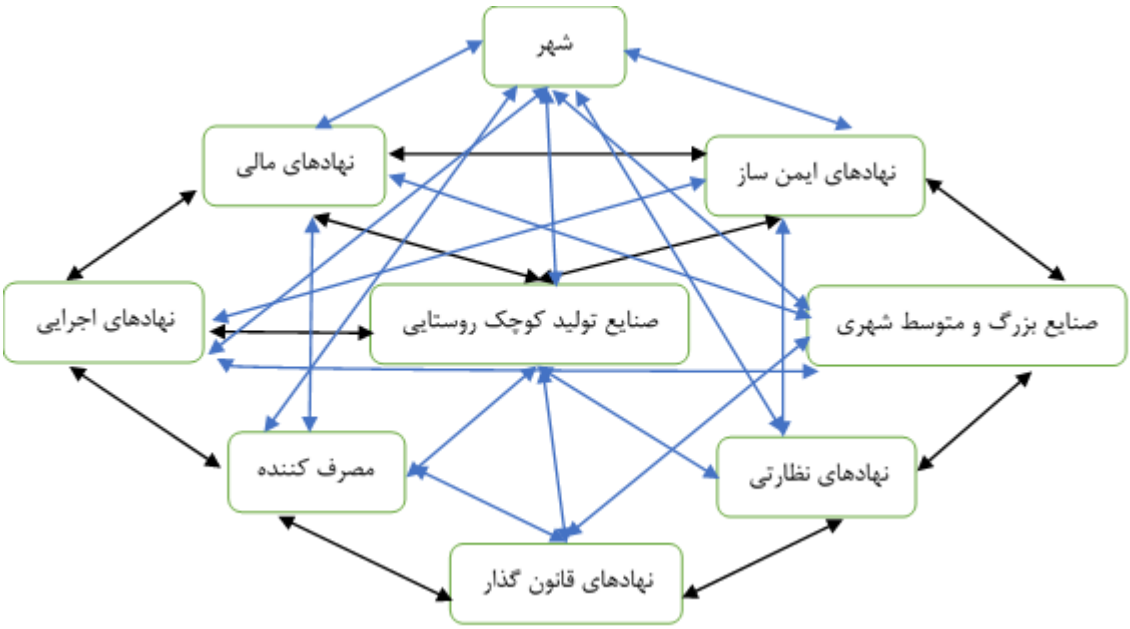
[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

نابرابری توزیع منافع میان زنجیره تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را ایجاد می‌کند و در فضای این رقابت صنایع تولیدی کوچک عمدتاً روستایی هست که عمدتاً رقابت را به جهت عدم مرکزیت جریان منافع می‌بازد.

همان‌طور که بررسی ادبیات موضوع نشان داد، روابط قدرت در مطالعه فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی مغفول مانده است و در روابط قدرت نیز به عنصر مکان یعنی روابط شهر و روستا به‌عنوان یکی از عناصر سازنده شبکه قدرت زیاد توجه نشده است که در این تحقیق یکی از مؤلفه‌های شبکه قدرت تعریف شده و در کنار سایر عناصر شامل دولت، بازار مصرف، نهادهای غیردولتی در توسعه بخش فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی تأکید شده است.

در مطالعات جغرافیایی بین شهر و روستا به‌عنوان مکان‌های جغرافیایی در جذب سرمایه و نیروی انسانی همواره رقابت وجود داشته است که در سطح خرد بر تمام کارکردهای موجود در آن‌ها تأثیرگذار بوده است. در این ترجیح مکانی، جذابیت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی مکان به‌عنوان مزیت نسبی و رقابتی در جذب ارزش‌افزوده، سرمایه انسانی و مالی همیشه مورد بحث بوده است (Yu & Artz, 2019). در چارچوب این روابط، فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی و سطح گسترش آن‌ها تحت تأثیر روابط عناصر شبکه قدرت میان این دو مکان قرار می‌گیرد. در بستر این روابط، شهرها همواره روابط مستحکم با دولت، صنایع بزرگ، مصرف‌کننده و اصناف دارد که غالباً به‌عنوان زادگاه و یا فضای استقرار آن‌ها به شمار می‌رود؛ و این مکان‌های شهری هستند که مفهوم و ماهیت این عناصر را تولید می‌کنند و به آن‌ها هویت می‌دهند و در مقابل در جذب سرمایه‌های مختلف از طرف آن‌ها حمایت می‌شود. در این تحقیق با الهام از مفهوم اصلی روابط قدرت، جهت قدرت، مکانیسم قدرت و شدت قدرت در میان ذینفعان و عناصر شبکه قدرت مؤثر در توسعه فعالیت‌های کوچک روستایی چارچوب نظری را شکل می‌دهیم.



شکل ۱. چارچوب نظری ذینفعان و عناصر شبکه قدرت مؤثر در توسعه فعالیت‌های کوچک روستایی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

ادبیات موضوع و تحقیقات انجام یافته در خصوص متنوع‌سازی معیشت روستایی بر دو مسئله از این فعالیت‌ها تأکید و تمرکز یافته‌اند. اول: گروهی از پژوهشگران و مطالعات آن‌ها، تنها به نتایج متنوع‌سازی و فعالیت‌های تولیدی کوچک در روستاها توجه داشته‌اند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ جوان و همکاران، ۱۳۹۰؛ جوان و همکاران، ۱۳۹۶؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۸ و تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۷). این مطالعات نشان می‌دهند که فعالیت‌های کوچک روستایی منجر به تولید درآمد و اشتغال در روستاها شده و تاب‌آوری اقتصاد روستایی را در برابر شوک‌های طبیعی و اقتصادی افزایش داده است (Hansson et al, 2013). برخی دیگر از این دسته پژوهش‌ها، به نتایج منفی آن‌ها نظیر افزایش فاصله طبقاتی جامعه روستایی اشاره داشته‌اند. گروه دوم، به عوامل مؤثر و محدودیت‌های توسعه و گسترش این فعالیت‌ها پرداخته‌اند. فری[1](۱۹۹۳) و هیریچ[2](1989) بر شاخص‌هایی همچون سن، آموزش، بازار و بازاریابی تولیدکنندگان، سرمایه (Meert, 2005 عنابستانی، ۱۳۹۴) و جنسیت (Loison, 2019) و ظرفیت‌های مکانی روستا (Yu & Artz 2019) و فقر (Gautam & Andersen, 2016) در توسعه کسب‌وکارهای تولیدی غیر کشاورزی و وابسته به کشاورزی اشاره داشته‌اند که مانع و یا تسهیل‌کننده توسعه مشاغل کوچک روستایی شده است. در بررسی تحقیقات گروه اول این سؤالات مطرح می‌شود که اولاً، کدام فعالیت‌ها توسعه و گسترش پیدا کرده‌اند؟ و دوم اینکه، چرا فعالیت‌های کوچک تولیدی غیر کشاورزی، توسعه و گسترش پیدا نکرده‌اند؟ پاسخ این سؤال در قالب مطالعات گروه دوم که در بالا ذکر گردید، بوده است. اکثر این مطالعات به ضعف سرمایه، مهارت، بازاریابی، جنسیت و سن در عدم توسعه آن‌ها اشاره کرده‌اند.

۳) روش تحقیق

روش‌های کیفی دیدگاهی عمیق‌تر را در قبال پدیده‌های با ماهیت و ساختار فرآیندی فراهم می‌آورند. دراین‌ارتباط، روش‌های کیفی مختلفی وجود دارد که اغلب به‌واسطه تفاوت در شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. یکی از این روش‌ها، تحلیل شبکه است. در این تحقیق ما از روش تحلیل شبکه به‌عنوان روشی مناسب برای تحلیل روابط قدرت میان تعیین‌کننده‌های فعالیت‌های کوچک تولیدی روستایی استفاده کردیم. واحد تحلیل در روش کنشگر شبکه، روابط است که بر اساس شاخص‌های مرکزیت درجه و بینابینی صورت می‌گیرد. مرکزیت درجه در این مطالعه، عنصری است که با حجم و جهت ارتباط مستقیم ورودی کم و خروجی گسترده با عناصر شبکه آن فعالیت‌های کوچک روستایی، دولت، سازمان‌های غیردولتی، شهر، مصرف‌کننده شهری، صنایع با تولید مشابه شهری است. پیوند ورودی و خروجی نیز میزان و جهت منابع و منافع است. میزان بالای خروجی و حجم کم ورودی نشان‌دهنده نفوذ عنصر است. مرکزیت بینابینی هم عنصری است که روابط عناصر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را

1 Fry
2 Hisrich

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

کنترل و مدیریت می‌نماید. این مرکزیت جریان منافع میان عناصر شبکه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند جهت آن را تغییر دهد.

کار میدانی ما در سال ۲۰۱۹ انجام شد. روش‌های اصلی به کار رفته در این تحقیق مصاحبه عمیق، بررسی اسناد و تجزیه‌وتحلیل داده‌های ثانویه است. مصاحبه‌های عمیق با روستائیان، مصاحبه نیمه-ساخت‌یافته با مسئولین نهادهای مالی و صندوق کارآفرینی (کارا)، مسئول توسعه کسب‌وکار کوچک روستایی سازمان جهاد کشاورزی، مسئول آموزش سازمان فنی و حرفه‌ای، مسئول توسعه اقتصاد روستایی استانداری آذربایجان غربی، صندوق بیمه روستایی، مسئول تعاون روستایی، مسئول توسعه کسب‌وکار روستایی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان انجام شد.

دهیاران و شوراهای روستاها و تولیدکنندگان ترشیجات، عرقیات گیاهی، رب و تولید میوه‌های خشک، برخی از شرکت‌های بزرگ و متوسط تولیدکننده محصولات مشابه شهری مورد توجه ما در مصاحبه بودند. در طول تحقیق ما همچنین گفتگوهای غیررسمی با تعدادی از روستائیان صاحب کارگاه‌های کوچک انجام دادیم. همچنین برنامه ششم توسعه، سیاست‌های توسعه مشاغل خانگی و کوچک روستایی سازمان جهاد کشاورزی، اداره کار، رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان فنی و حرفه‌ای، ستاد احیای دریاچه ارومیه مورد بررسی قرار دادیم. درنهایت مصاحبه‌های مسئولین متولی مشاغل کوچک روستایی با خبرگزاری‌های به‌عنوان اطلاعات دست‌دوم در تجزیه‌وتحلیل‌های ما مورداستفاده قرار گرفت؛ اما سؤالاتی که در مصاحبه‌ها مطرح شد عبارت‌اند از: به نظر شما چرا فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی غیر کشاورزی و وابسته به کشاورزی توسعه پیدا نمی‌کنند؟ منافع و برنامه‌های دولت در توسعه صنعت شهری و روستایی چه نقشی در توسعه این فعالیت‌ها در روستاها دارد؟ عوامل عملکرد نهادهای مالی و دولتی در توسعه این فعالیت‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این مطالعه در استان آذربایجان غربی انجام شده است. شش روستای آزادگان، آرمودآغاچ، تازه‌کند جنیزه، تازه‌کند قاطرچی، یورقانلو و سنجی به‌عنوان روستاهای نمونه در ۱۰ تا ۲۰ کیلومتری اطراف کلان‌شهر ارومیه مورد بررسی قرار گرفته است. در این روستاها فعالیت‌های باغداری، زراعت و دامداری به‌عنوان فعالیت اصلی و فعالیت‌های خدماتی نظیر فروشندگی و خرید فروش میوه انجام می‌شود. در تمام این روستاها این روستاها در دشت نازلو قرار دارد و تولید رب، میوه‌های خشک و عرقیات گیاهی خودمصرفی به‌عنوان فعالیت جانبی به شمار می‌رود.

۴) یافته‌های تحقیق

در مطالعات انجام یافته، کمبود سرمایه مالی، مهارت، کهولت سنی، سواد، جنسیت، کمبود بازار عواملی هستند که توسعه فعالیت‌های کوچک روستایی را محدود کرده و منجر به عدم توسعه آن‌ها شده است. اگرچه اقدامات توسعه‌ای در بخش فعالیت‌های تولیدی کوچک غیر کشاورزی روستایی از ارکان برنامه‌های بخشی و فرابخشی توسعه بوده است؛ اما حجم و میزان اقدامات، تناسبی با هدف‌گذاری‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان در این بخش نداشته است. در آذربایجان غربی جهت حمایت از

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

مشاغل خانگی، مبلغ تسهیلات مصوب ۲۸۹ میلیارد ریال (۳,۶ درصد مصوب کشوری) بوده است که از این میزان، ۱۳۹ میلیارد ریال (۴۸,۱ درصد) تسهیلات پرداخت شده است که از متوسط پرداخت کشوری ۲۵,۵ درصد هم پایین‌تر می‌باشد. (آمارنامه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۷) از مجموع طرح‌های ارسالی به سیستم بانکی در استان تنها ۶۴ درصد موفق به اخذ وام شده‌اند. (آمارنامه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۷: ۲۶۸)؛ اما نکته قابل‌تأمل این است که بیش از ۸۵ درصد تسهیلات بانکی در نقاط روستایی در بخش کشاورزی بوده و تنها ۱۴,۸ درصد در بخش فعالیت‌های غیر کشاورزی و فعالیت‌های مربوط به فراوری محصولات کشاورزی بوده است. این امر نشان می‌دهد باوجود هدف‌گذاری وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی در خصوص توسعه مشاغل غیر کشاورزی رقم بسیار ناچیزی را نشان می‌دهد.

فقدان حمایت‌های بیمه‌ای اعم از درمانی، بازنشستگی، عمر و ... از فعالان کسب‌وکارهای خانگی از دیگر موانع محدودکننده کسب‌وکارهای خانگی است. برابر با اطلاعات اخذ شده از سازمان تأمین اجتماعی، موضوع حمایت بیمه‌ای از شاغلان بخش خانگی در بین خدمات بیمه‌ای صاحبان حرف و مشاغل آزاد تأمین اجتماعی مسکوت مانده است.

وجود ساختارهای تشکیلاتی و سازمان‌دهی کننده در فعالیت‌های اقتصادی از دیگر محرک‌های مناسب برای توسعه مشاغل خانگی محسوب می‌شود. مجامع صنفی و سندیکاها، تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها و تشکیلات دولتی و عمومی ازجمله چنین بخش‌هایی است. ضعف مشاغل خانگی در این بخش بسیار مشهود می‌باشد. برابر آمارنامه وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی (۱۳۹۷)، در بین تعاونی‌های در حال فعالیت برحسب گروه عمده فعالیت اقتصادی، از مجموع ۹۲۲۶۹ شرکت تعاونی فعال، صرفاً ۶ شرکت در گروه فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های غیرقابل‌تفکیک خانوارها فعال می‌باشند. در استان آذربایجان غربی، هیچ فعالیت در این گروه اقتصادی در قالب تعاونی وجود ندارد.

از همه مهم‌تر اکثر این فعالیت‌ها در گذشته‌های نه‌چندان دور از پیشه‌های روستائیان بوده است و در آن تجربه و مهارت لازم را داشته‌اند. علاوه بر آن در سال‌های گذشته سازمان‌های متولی توسعه آموزش (خصوصی و دولتی) بیش از ۴۰ درصد کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و مهارت افزایی را در روستاها انجام داده‌اند. همچنین در دوره‌های آموزشی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان ۳۸ نفر از متقاضیان در بخش توسعه اشتغال و کارآفرینی، شرکت کرده‌اند (اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۶) و از آموزش‌های نوین نیز بهره‌مند شده‌اند.

حمایت‌های قانونی و حقوقی از مشاغل خانگی از مشوق‌ها و انگیزش‌های توسعه چنین فعالیت‌هایی محسوب می‌شود (نجفی و صفا، ۱۳۹۳). علیرغم تصریح قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی مصوب ۱۳۸۹ مجلس در ایران با تمرکز بر حمایت‌های قانونی از مشاغل خانگی به‌ویژه در محورهایی چون آموزش و ترویج از طریق وزارت کار و امور اجتماعی (ماده ۱۰ قانون فوق‌الذکر) و صداوسیما (ماده ۱۲ قانون فوق‌الذکر) و تأمین بسترهای بازاریابی و فروش از طریق شهرداری‌ها (ماده ۱۱ قانون فوق‌الذکر)، بیمه (ماده ۹ قانون فوق‌الذکر)، هنوز مغایرت‌های متعدد قانونی با قوانین پشتیبان سایر سازمان‌ها وجود

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

دارد که منجر به عملیاتی نشدن این قوانین در خصوص فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی دارد و موجب به مخاطره افتادن منافع بیمه، بانک‌ها، نهادهای آموزشی، نهادهای بهداشتی در ارتباط با مشاغل تولیدی کوچک روستایی شده است. این مغایرت میان قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی با قانون مالیات‌های مستقیم (بند ۱۱ تبصره ماده ۴۶ قانون مالیات‌های مستقیم، ماده ۱۸۶ قانون مالیات-های مستقیم، ۱۳۹۴)، قانون هدفمندی یارانه‌ها (موضوع عدم همراهی وزارت نیرو برای تعیین ضوابط حمایتی در زمینه تعرفه مصرف آب، برق و سوخت مصرفی)، قانون تأمین اجتماعی (موضوع اختیاری بودن بیمه در مشاغل خانگی و الزامی بودن بیمه افراد تحت آموزش در قانون تأمین اجتماعی که سبب کاهش انگیزه اشخاص پشتیبان به آموزش افراد تحت پوشش می‌گردد)، مصوبه شماره ۱۴۳۳۶ ت ۴۵۵۱۰ ه مورخ ۹۱/۱/ هیئت دولت و تعیین تعرفه بالا برای صدور و تمدید شناسه نظارت بهداشتی در مشاغل کوچک کمک بزرگی به روابط نابرابر قدرت کرده است.

ماهیت مردانه بودن تفکر کار و شغل در سیستم اقتصادی ایران و نسبت بالای فعالیت زنان در مشاغل خانگی از دیگر موضوعاتی است که تهدیدکننده توسعه مشاغل خانگی است. برابر آمارهای رسمی منتشره از سوی مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۸، نرخ کل مشارکت اقتصادی برای جمعیت ۱۵ ساله به بالا، ۴۴,۱ درصد بوده است. از این میزان، نرخ مشارکت اقتصادی مردان، ۷۱,۱ درصد و زنان ۱۷ درصد می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸) باوجوداینکه بیشتر فعالیت‌های کوچک روستایی توسط مردان انجام می‌شود ولی این نقطه مثبتی برای توسعه به شمار نرفته است و نمی‌توان ادعا کرد که جنسیت (غلبه مشاغل کوچک در دست رنان) عامل عدم توسعه این فعالیت‌هاست. به‌عبارت‌دیگر توسعه این فعالیت‌ها توسط رنان در چنبره روابط قدرت میان زنان و مردان بوده است.

روابط فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی با دولت

بر اساس ماهیت روابط، هر یک از بازیگران به دنبال جذب طرف دیگر هستند تا بتوانند منافع بیشتری را عاید خود سازند. اشکال اصلی انتفاع دولت در هر رابطه‌ای منافع مالی و مشروعیت است. منافع مالی و مشروعیت دولت از طریق مالیات بر تولید و کسب رضایتمندی شهروندان از عملکرد خود است. جایگاه این منافع در کسب‌وکارهای روستایی محکم نیست و یا حتی در توسعه آن‌ها دولت هیچ منفعت اقتصادی ندارد بلکه در توسعه این فعالیت‌ها هزینه‌ای را هم متحمل می‌شود.

بر اساس بند الف ماده ۲۷ برنامه ششم (۱۳۹۶)، تبصره یک ماده ۱۳۲ قانون امور مالیاتی (۱۳۹۴) و برنامه توسعه مشاغل کوچک روستایی وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۹۸)، فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی از مالیات معاف هستند. همچنین یارانه‌های تأمین سرمایه و حمایت‌های مالی آن‌ها از طرف دولت در قوانین پیش‌بینی‌شده فوق مسئله دیگری است که منافع اقتصادی دولت را در توسعه این فعالیت‌ها محدود نموده و انگیزه کمک و حمایت دولت در توسعه آن‌ها را کاهش داده است؛ اما منافع دیگری که دولت در توسعه و گسترش این فعالیت‌ها می‌توانست دنبال کند مشروعیت و ایجاد رضایت از

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

خود در روستاهاست. نکته مهمی که در مشروعیت و رضایتمندی از دولت در این زمینه وجود دارد آن است که این فعالیت‌ها در برنامه‌های توسعه دولت (برنامه ششم، ۱۳۹۶، برنامه توسعه مشاغل خانگی، ۱۳۹۸) دیده شده و بنابراین از این جنبه دولت خود را مبرا از اتهام عدم‌حمایت می‌داند و این‌طور وانمود می‌سازد که عدم توسعه فعالیت‌های کوچک روستایی ناشی از عملکرد خود روستائیان است که در بسیاری از موارد مبتنی بر قول فوکو (۱۹۸۰) دستگاه دانش و مطالعات دانشگاهی نیز آن را تائید می‌نماید (فلاح، ۱۳۹۷). مکانیسم انتقال منافع و کسب مشروعیت در این فعالیت‌ها توسط دولت، متهم‌سازی روستائیان است. دولت با استفاده از قوانین و آیین‌نامه‌های خود و همچنین به کمک تولید گفتمان از طریق مراکز دانش و علوم وابسته، عدم توسعه را به روستائیان و روستاها نسبت می‌دهد؛ اما به این نکته باید توجه نمود که دولت یارانه‌های تأمین مالی برای فعالیت‌های روستایی را تأمین می‌کند نه در فعالیت‌های غیر کشاورزی، بلکه عمده این تسهیلات مالی و اعتباری بیشتر در بخش کشاورزی بکار گرفته می‌شود (وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی، ۱۳۹۸) که هدف آن نیز کمک به روستاها نبوده بلکه بیشتر با هدف تأمین مواد غذایی ارزان و کافی طبقه متوسط شهری است که بتواند سطح رضایتمندی را از طرف آن‌ها تأمین نماید.

بنابراین میان فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی و دولت جهت جریان منافع و منابع به‌سوی فعالیت‌های روستایی است. همان‌طور که در بالا ذکر گردید این منافع شامل یارانه‌های مالی و اعتباری، آموزش رایگان، یارانه‌های بیمه‌ای و معافیت‌های مالیاتی است. میزان تسهیلات اعطایی دولت به فعالیت‌های روستایی در سال ۱۳۹۸ برابر ۴۱۵۱۰۲۳ میلیون ریال بوده است (اداره کل کار، رفاه و تأمین اجتماعی استان، ۱۳۹۸). همچنین بیش از ۴۰ درصد آموزش‌های رایگان سازمان فنی و حرفه‌ای برای روستائیان انجام شده است که نشان از ورودی بالای منابع و منافع از طرف دولت به روستاها بوده و در مقابل خروجی آن‌ها بازپرداخت تقریباً اصل وام‌های اعطایی دولت بوده است؛ بنابراین این فعالیت‌ها برابر با حذف سرمایه‌داری دولتی و خصوصی معمول بهره چندانی نصیب دولت نمی‌سازد. بر اساس مطالعات ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۸) این فعالیت‌ها به جهت خودمالکی بودن و خویش کارفرمایی، ارزش‌افزوده و درآمد را برای روستائیان به همراه می‌آورد ولی منافع بسیار کمتری را نصیب دولت می‌سازد؛ به همین جهت مرکزیت درجه برای روستاها ایجاد نمی‌شود و نفوذ صاحبان این فعالیت‌ها در بانک‌ها، سازمان‌های اجرایی، بیمه، سازمان‌های بهداشتی و نظارتی بسیار کاهش می‌یابد؛ اما این فرض می‌تواند در این اهداف موجه به نظر برسد که جهت منافع و منابع از سوی دولت به این فعالیت‌ها باعث رضایت‌مندی و افزایش مشروعیت دولت در روستاها باشد. در این خصوص به این نکته باید توجه نمود که این فرض نیز در سطح عالی به دو دلیل نمی‌تواند تائید شود: ۱- تعداد این فعالان در روستاها کمتر است و زنجیره گسترده‌ای را ایجاد نمی‌نماید و ۲- دولت مشروعیت خود را در روستاها بیشتر از طریق ایدئولوژی تأمین می‌نماید و لزومی برای ایجاد این فعالیت‌های جهت بدین منظور مشروعیت‌سازی ندارد. انتفاع دولت از فعالیت‌های کوچک تولیدی روستایی نزدیک به حداقل است و ضعف پشتیبانی آن در عمل از این فعالیت‌ها توجیه منطق اقتصادی دارد. چرا که وقتی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

بپذیریم، جوامع با ترکیب بهینه "تولید" و "توزیع" بقا و ارتقا می‌یابند؛ اما در جامعه و اقتصاد ایران، با گذشت زمان، شاهد کاهش حجم و ظرفیت تأثیرگذاری بخش تولید به نفع بخش توزیع هستیم. دولت در ایران، حجم بالایی از توان و ظرفیت خود را برای پیشبرد سیاست‌های توزیعی (توزیع درآمدها، دارایی‌ها و فرصت‌ها) جهت افزایش مشروعیت و مقبولیت خود از طریق ایفای عدالت توزیعی، حداکثرسازی منافع خود در بخش "توزیع" به‌واسطه جریان بالای سرمایه و سود در این بخش در مقایسه با بخش تولید و حداقل‌سازی هزینه‌های دولت در بخش تولید می‌کند. اگرچه نمی‌توان از بحران در بخش توزیع به‌واسطه بروز مناقشه بین بازیگران دخیل در ساختار قدرتمند توزیع غافل ماند که منجر به بروز توزیع فقر و خشونت به‌جای توزیع ثروت شده است!

روابط فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی با صنایع دارای تولید مشابه شهری و دولت

روابط فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی با کارخانه‌های تولید مشابه شهری به‌صورت تهدید منافع همدیگر است و منافع مشترک میان آن‌ها وجود ندارد. این دو فعالیت، رقیب همدیگر در کسب بازار و ارزش‌افزوده تولید شده در بازار است. فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی دارای مزیت نسبی مانند مواد اولیه باکیفیت بالا، تولید به شکل ارگانیک‌تر و کیفیت تولید و قیمت مناسب نسبت به تولیدات صنایع شهری در کسب بازار و منافع است. بر اساس منطق مصرف‌کننده، این مزیت در بازار مصرف، توان کسب منافع را بیشتر می‌سازد و جریان منافع بازار را برای خود نگه می‌دارد؛ اما در مقابل مزیت صنایع اروم آدا، پاکدیس، ساسان شهد، خشکبار ایل سور، خوش دیس و نوشین شهد در برابر این فعالیت‌ها در چگونگی روابط آن‌ها با دولت و سایر تعیین‌کننده‌های فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی است که جریان منافع را تغییر داده است؛ زیرا قدرت فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی در درون و ذات خود بوده ولی صنایع شهری قدرت خود را از روابط کسب کرده‌اند که در نحوه توزیع منابع و منافع بازار نقش تعیین‌کننده‌ای می‌باشد و با رانت‌های ایجاد شده از طریق روابط، بیشترین تسهیلات بانکی، مشوق‌های دولتی، فرصت‌های بازاری ایجاد شده در داخل و خارج را به نفع خود تغییر می‌دهند و با مکانیسم‌هایی همانند بهداشتی نبودن، سنتی بودن، تطمیع سازمان‌های نظارتی و عدم رعایت قوانین کار و بیمه تولیدات روستایی، کسب‌وکارهای کوچک روستایی را تهدید می‌نماید.

«ما در سال‌های گذشته رب و ترشیجات زیتون تولید می‌کردیم که بازار خوبی هم داشتیم متأسفانه مأموران بهداشتی آمدند تولید ما را بستند و گفتند که شما مجوز ندارید و تولیدات شما بهداشتی نیست درصورتی‌که تولیدات ما از تولیدات کارخانه‌ها هم بهداشتی بود زیرا گوجه و زیتونی که استفاده می‌کردیم زیر درختی نبود و از منابع اولیه درجه یک استفاده می‌کردیم و ... بعد از پیگیری کار متوجه شدیم که یکی از کارخانه‌های شهری علیه ما شکایت کرده است که تولیدات ما استاندارد بهداشتی ندارد و به‌صورت سنتی تولید می‌شود درصورتی‌که ما سالیان درازی است که از این محصولات استفاده می‌کردیم مریض هم نمی‌شدیم ... مأموران بهداشتی خود را محق می‌دانند که کار و تولیدی مار را ببندند و به حرف ما گوش نمی‌دهند».

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

با وجود فقدان قواعد و زمینه‌های عادلانه رقابتی و انتفاع بیشتر بخش صنایع شهری نسبت به فعالیت‌های تولیدی کوچک غیر کشاورزی روستایی، عملکرد بخش صنعت قابل نقد می‌باشد. به‌عنوان نمونه، عملکرد زیربخش محصولات غذایی و آشامیدنی استان به‌عنوان اصلی‌ترین بخش رقیب مشاغل خانگی غیر کشاورزی استان علیرغم همراهی بخش کشاورزی استان به‌عنوان مکمّل این بخش صنعتی در تأمین ارزان و کم‌هزینه مواد خام اولیه صنایع غذایی و آشامیدنی، دچار کاهش رشد ارزش‌افزوده (۲,۴- درصد) در طول برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰) شده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). علیرغم روند کاهشی عملکرد ارزش‌افزوده زیربخش صنایع غذایی و آشامیدنی، حمایت‌های مالی و قانونی صورت گرفته از این صنایع و شرکت‌ها، روند افزایشی داشته است؛ به‌گونه‌ای که تسهیلات اعطایی بانک‌های عامل استان به بخش صنعت در سال ۱۳۹۵ به میزان ۲۴۳۵۶۱۸۲ میلیون ریال و در سال ۱۳۹۶ به میزان ۲۴۵۹۳۱۵۸ میلیون ریال بوده است. اشتغال جدید ایجاد شده در بخش صنعت استان برای سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ترتیب ۱۲۹۰ و ۱۶۷۱ نفر بوده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶: فصل ۷ و فصل ۱۳) به عبارتی، سرانه تسهیلات پرداختی بانک‌های عامل استان برای هر اشتغال در بخش صنعت استان برای سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ترتیب ۱۸۸۸۰۷۶۱۲۴ و ۱۴۷۱۷۶۲۸۹۶ تومان بوده است.[۱]اما کل مبلغ تسهیلات اعطایی در اجرای قانون مشاغل خانگی برای استان در سال ۱۳۹۸، ۸۸ میلیارد ریال با تعهد اشتغال ۵۰۰ نفر (سرانه تسهیلات به ازای هر اشتغال ۱۷۶۰۰۰۰۰ تومان) بوده است! (سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۸: ۲۶۹)

حمایت‌های قانونی از مشاغل خانگی بسیار کمرنگ و در حد و اندازه توصیه‌های کلی بدون تعبیه سازوکارهای مالی در برنامه‌های توسعه بوده است. در برنامه ششم توسعه صرفاً در دو بند (ز) ماده ۴ و بند (ب) ماده ۱۰۲، اشارتی کلی به مشاغل خانگی شده است. این در حالی است که حجم و میزان توجه به صنایع و واحدهای تولیدی در برنامه ششم توسعه، بسیار پررنگ و قابل‌توجه می‌باشد. در بند (پ) ماده ۴۶ برنامه ششم توسعه مقرر شده است که سهم صنایع از پرداخت تسهیلات نظام بانکی در طول اجرای برنامه کمتر از ۴۰ درصد نباشد. (قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۵)

مدیران صنایع اروم آدا، پاکدیس، ساسان شهد، خشکبار ایل سور، خوش دیس و نوشین شهد در تمامی مراکز تصمیم‌گیری دولتی و غیردولتی حضور دارند، درصورتی‌که هیچ نماینده‌ای از تولیدکنندگان روستایی در تشکل‌های غیردولتی و شوراهای برنامه‌ریزی دولتی وجود ندارد. این شکل از روابط صنایع شهری با دولت و نهادهای دولتی در سایه ارائه مالیات و عدم استفاده از دیگر یارانه‌های دولتی نظیر آموزش حرفه‌ای، یارانه‌های بیمه‌ای و حتی انجام برخی وظایف دولتی در حوزه‌های اجتماعی در قالب کمک به نهادهای خیریه است که از طریق آن منافع زیادی به دولت ایجاد نکرده است و در این شرایط جهت‌گیری دولت به سمت صنایع شهری در برابر فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی منطقی به نظر می‌رسد. علاوه بر آن، حضور و حق تصمیم‌گیری مدیران در اتحادیه‌ها و اتاق‌های بازرگانی جهت جریان منافع و منابع بازاری و عمومی به نفع صنایع با تولید مشابه شهری تغییر یافته و روستائیان بهره چندانی

[۱]) تمام تسهیلات دریافتی بخش صنعت، صرف اشتغال جدید نشده و برای سرمایه در گردش، نوسازی، تجهیز، توسعه و ... نیز هزینه شده است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

نبرده‌اند و برای فعالیت‌های روستایی تصمیمات سازنده‌ای اتخاذ نشده است. برابر قانون اتاق بازرگانی، صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹ و اصلاحیه ۱۳۷۳، تمام ترکیب اعضای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان آذربایجان غربی (هیئت‌رئیسه اتاق، هیئت نمایندگان اتاق، کمیسیون‌های هفت‌گانه) در اختیار شرکت‌ها و مؤسسات رسمی از بخش‌های مختلف اقتصادی استان می‌باشند؛ بنابراین صنایع شهری به‌عنوان مرکزیت بینابین میان دولت و فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی عمل کرده و جریان منافع میان بازار را به نفع خود ایجاد کرده است.

روابط فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی با شبکه مصرف‌کننده شهری و دولت

برای کشف روابط مصرف‌کننده، دولت و تولیدکننده به مصاحبه‌ای که با تولیدکنندگان داشتیم توجه کنید:

«شرایط بد اقتصادی به‌شدت روی کارم تأثیر گذاشته و مشتری‌ها دیگر به‌ندرت سفارش خرید می‌دهند. مسئله این است که در کسب‌وکارهای کوچک خانگی، محصولاتی که عرضه می‌شود، محصولاتی نیست که مربوط به معاش روزانه و دارای اولویت برای مردم باشد، در واقع مواد غذایی خانگی غیرضروری‌اند که بودونبودشان در سبد خانوار تأثیر زیادی ندارد. بیشتر کسب‌وکارهای خانگی در زمینه مواد غذایی، محصولاتی مثل مربا، ترشی و یا شیرینی‌های خانگی تولید می‌کنند. طبیعی است که وقتی اقتصاد حالش خوب نیست، این‌ها هم از اولویت زندگی مردم حذف می‌شود و خریدارانی که تا دیروز این مواد را از تولیدکنندگان خانگی می‌خریدند، دلیلی ندارند در وضعیت بحران اقتصادی بیایند و مثلاً ترشی خانگی سفارش دهند» (مباحثه با تولیدکنندگان، ۲۰۱۹)

«... تولیدات ما از تولیدات کارخانه‌ها هم بهداشتی‌تر بود زیرا گوجه و زیتونی که استفاده می‌کردیم زیردرختی نبود و از منابع اولیه درجه یک استفاده می‌کردیم ... قیمت محصولات ما ۱,۳ برابر محصولات کارخانجات اروم آدا و پاکدیس ارومیه است ولی ما رنگ نمی‌زنیم و مواد نگه‌دارنده اضافه نمی‌کنیم ... محصولات ما سالم است ... هر چند که بعضی از تولیدکنندگان هستند که تقلب می‌کنند ولی تعداد آن‌ها کمتر است.»

در ماده ۳ از فصل ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۸۸، تمهیدات قبل از تولید و عرضه محصول چون اخذ مجوزهای بهداشتی و استاندارد، درج قیمت و تاریخ تولید و انقضاء و اقدامات بعد از فروش چون ارائه ضمانت‌نامه و خدمات پس از فروش از جمله وظایف عرضه‌کنندگان کالا و خدمات فعال در بخش‌های رسمی تولید در قبال مصرف‌کنندگان خود می‌باشد.

در شبکه روابط مصرف‌کننده شهری و فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی تا حدودی جریان منافع دوسویه است. منافع مصرف‌کننده کیفیت و قیمت محصول است با توجه به شرایط بد اقتصادی مصرف‌کننده و قدرت خرید پایین مصرف‌کننده شهری محصولات با قیمت پایین در اولویت خرید قرار می‌گیرد و کیفیت محصولات در اولویت دوم است. محصولات روستایی با توجه به حذف بسیاری از هزینه‌ها نظیر هزینه‌های مالیاتی، بیمه‌ای، کارگری و انرژی و خودتأمینی مواد اولیه با قیمت نسبتاً پایینی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

تولید شده است، به همین جهت بازار مصرف از آن استقبال کرده و درآمد خوبی برای تولیدکنندگان ایجاد نموده است؛ اما ازآنجایی‌که این تولیدات در سبد خانوارها در اولویت نمی‌باشند، منافع زیادی نصیب تولیدکنندگان نمی‌کند. از سوی دیگر، تولید گفتمان‌های «غیربهداشتی بودن تولیدات روستایی» از سوی مراکز علمی و نهادهای دولتی همانند دانشگاه‌ها و مراکز بهداشتی، روابطِ بین مصرف‌کننده شهری و تولیدکنندگان روستایی به نفع صنایع با تولید مشابه شهری در اندک بازار هم تغییر می‌دهد و موجب انقباض بیشتر بازار و منافع روستائیان می‌شود.

از منظر آمارهای رسمی توزیعی و مصرفی، از بین ۱۲ گروه هزینه‌ای خانوارهای شهری (خوراکی، دخانیات، پوشاک، مسکن و انرژی، لوازم و اسباب خانگی، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل، ارتباطات، تفریح، تحصیل، رستوران و کالا و خدمات متفرقه) اعلامی از سوی بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۹۵، بازار هدف مشاغل و کسب‌وکارهای خانگی صرفاً در دو بخش خوراکی‌ها و لوازم و اسباب خانگی می‌تواند اقدام به فعالیت و تولید نماید. این در حالی است که به‌واسطه افزایش سهم هزینه‌های مسکن، حمل‌ونقل و بهداشت و درمان در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری، شاهد کاهش در سهم هزینه‌ای خانوارهای شهری در بخش‌های فعالیتی و تولیدی روستاها و مشاغل کوچک غیر کشاورزی روستاها هستیم. برابر اعلام بانک مرکزی ایران برای بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵، شاهد روند نزولی و کاهشی سهم دو بخش هزینه‌ای خوراکی‌ها و لوازم و اسباب خانگی، در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری هستیم. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵: ۱۶) از سوی دیگر، ایجاد سازوکارهای نوین و مدرن در تأمین و عرضه کالاهای مورد نیاز شهروندان در محیط‌های شهری چون راه‌اندازی فروشگاه‌ها و مراکز زنجیره‌ای عرضه، بر محدود نمودن ارتباط مستقیم و بدون واسطه بین مصرف‌کنندگان شهری و تولیدکنندگان و تولیدات محیط‌های روستایی دامن زده است.

اما از منظر آمارهای رسمی تولیدی در کشور نیز، شرایط موجود گویای محدودیت‌های شدید کسب‌وکارهای خانگی در برابر فعالیت‌های تولیدی رسمی و مدرن صنعتی می‌باشد. با تمرکز بر ۴ شاخص کلیدی، جواز صادره، پروانه بهره‌برداری، اشتغال و سرمایه‌گذاری، برابر اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت، بخش صنایع غذایی و آشامیدنی (به‌عنوان محور اصلی فعالیت‌های مشاغل خانگی روستایی)، رتبه نخست جواز تأسیس صادره برای ایجاد کارگاه‌های صنعتی کل کشور در بین ۳۰ گروه فعالیتی (برای استان: رتبه سوم)، رتبه دوم پروانه بهره‌برداری صادره برای ایجاد کارگاه‌های صنعتی کل کشور در بین ۳۰ گروه فعالیتی (برای استان: رتبه نخست)، رتبه نخست اشتغال کارگاه‌های صنعتی کل کشور در بین ۳۰ گروه فعالیتی (برای استان: رتبه نخست) و رتبه چهارم سرمایه‌گذاری کارگاه‌های صنعتی کل کشور در بین ۳۰ گروه فعالیتی (برای استان: رتبه سوم) در سال ۱۳۹۷ را به خود اختصاص داده است(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷: بخش صنعت).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی و روابط شهر و روستا

مسئله اصلی در این بخش بررسی این قضیه است که رابطه دولت با شهر و دولت با روستا چگونه موازنه قدرت بین شهر و روستا را بر هم می‌زند و چگونه این عدم تعادل قدرت بر مشاغل کوچک تولیدی روستایی مؤثر می‌افتد. روابط شهر و روستا که در دیدگاه‌های مختلف روستا عامل توسعه شهر و شهر عامل توسعه روستا است، جدا از روابط شهر و روستا که همیشه بر روستا در جذب سرمایه مالی انسانی و کالا و غیر غلبه کرده و این غالبیت ناشی از روابط این دو مکان با نخبگان علمی و اقتصادی و دولت است که فعالیت‌های کوچک تولیدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

توسعه به‌طور عام و توسعه شهری در مقابل روستایی قرار می‌گیرد و روابط پیچیده‌ای میان این دو مکان برقرار می‌شود. در نظریه‌های مربوط به توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی‌ها، کانون‌های شهری مهم‌ترین بازیگر تلقی می‌شوند و خط‌مشی‌گذاری آن‌ها برای توسعه نیز حول فعالیت‌های صنعتی بزرگ دور می‌زند نه در فعالیت‌های کوچک روستایی و بر زیرساخت‌های توسعه آن در شهرها تأکید می‌شود. ازاین‌رو، پیوند روستا با شهر در ادبیات برنامه‌ریزی، پیوندی است که روستا باید برای توسعه شهر گام بردارد و منابع توسعه‌ای خود را در اختیار شهر قرار دهد.

رابطه بین دولت، نخبگان و شهر، رابطه بسیار پیچیده‌ای است. جذابیت این دو مکان برای ظرفیت‌سازی مهم‌ترین مسئله در این روابط است که در روستا بندرت این جذابیت به جهت رابطه نابرابر قدرت ایجاد می‌شود. نخبگان علمی به‌عنوان تولیدکنندگان دانش و گفتمان توسعه در خدمت دولت و خواسته‌های دولت در روند توسعه هستند و اساساً به‌عنوان تکنسین‌های توجیه‌کننده سیاست‌های دولت عمل می‌کنند که این امر ناشی از وابستگی نخبگان علمی به بدنه دولت است. دولت با نخبگان علمی برای توسعه سرزمین رابطه برقرار می‌کند. رابطه دولت با نخبگان در جامعه ایدئولوژی‌زده و رانتیر، رابطه توجیه علمی خواسته‌های دولت در سطح محلی و کلان به نفع سرمایه‌داری شهری و صنعتی بزرگ است. در دیدگاه کلی نوسازی، در هم ریختن ساختارهای سنتی و برپاسازی ساختارهای نوین برای به‌کارگیری عناصر نوین با راهبرد صنعتی شدن شهری اتفاق می‌افتد. این نخبگان با تولید گفتمان‌های توسعه مبتنی بر شهر، افکار عمومی را شکل می‌دهند. به عبارتی، به روستائیان این تفکر را القاء کرده که توسعه و رشد (به مفهوم اقتصادی)، باید در شهر اتفاق بیافتد نه در روستا و این امر ضعف توجه دولت به روستاها را برای روستائیان به‌طور منطقی تبیین نموده که سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در شهر را برای افکار عمومی تسهیل نموده است. در این روابط، نخبه علمی در چارچوب سیاست‌های دولت حرکت می‌کند در غیر این صورت این روابط ایجاد نمی‌شود. در خصوص این روابط، از نخبگان علمی جامعه نمونه در حوزه توسعه روستایی بیان می‌دارد که:

«ما را به همراه ۳۰ نفر از همکاران به جلسه‌ای برای توسعه مشاغل در روستاها به استانداری دعوت کردند و نظرات ما را برای ایجاد و توسعه مشاغل روستایی خواستند... ازآنجایی‌که دولت محلی تصمیم خود را در خصوص فعالیت‌ها برای روستاها- رشد و گسترش کشاورزی برای تولید مواد غذایی جهت طبقه متوسط شهری- گرفته بود افرادی که مخالف این تصمیم به جهت مسائل مختلف اجرایی و

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

زیست‌محیطی در روستاها بودند برای جلسات آینده دعوت نشدند. در این جلسه دولت محلی به دنبال تائید و مشروعیت‌بخشی به برنامه‌های خود از طرف مجامع علمی بود»

«اگر می‌خواهی پیشرفت کنی باید در شهر سرمایه‌گذاری کنی زیرا بانک‌ها در آنجا هستند... دولت به شهر خدمات می‌دهد... امکانات در شهرها قرار دارد... تمام برنامه‌های تلویزیون و کارشناسان ساکن شهر هستند در مورد شهر است... من از دو نفر مروج کشاورزی پرسیدم که شهر بهتر است یا روستا گفتند که اگر من جای شما بودم این سرمایه‌گذاری را در شهر انجام می‌دادم زیرا توسعه در شهر است ... اگر می‌خواهی مدرن باشی و زندگی‌ات را نو کنی باید به شهر بروی...»

همچنین یکی از مشاورین توسعه مشاغل کوچک روستایی نقل کرد:

«در یکی از طرح توسعه مشاغل کوچک روستایی از طرف روستائیان در صورت کمک‌های دولتی استقبال گردید[۱] ولی ازآنجایی‌که متولیان دولت محلی (کارفرمایان طرح توسعه مشاغل) نتوانستند نهادهای مالی را برای توسعه مشاغل تولیدی کوچک روستایی اقناع نمایند زیرا نهادهای مالی به جهت منافع کم تسهیلات روستایی نسبت به فعالیت‌های شهری حاضر به سرمایه‌گذاری نبودند، از مشاورین و طراحان توسعه مشاغل کوچک درخواست کردند که در نتیجه‌گیری طرح عدم استقبال و در اولویت نبودن این طرح‌ها از طرف روستائیان عنوان کنند»

در فرایند روابط بین دولت، روستا و شهر، بیشترین وزن قدرت میان شهر و دولت ایجاد می‌شود. طی این فرایند، قدرت میان روستا و شهر تغییر می‌یابد و بیشترین منافع را به سمت شهر هدایت می‌نماید. دولت بیشتر سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی را در شهرها انجام می‌دهد. این امر به چند دلیل اتفاق می‌افتد: ۱- انتفاع دولت از شهر شامل کسب رضایت طبقه متوسط شهری، مالیات و تعرفه‌های بالای خدمات عمومی شهر که متوجه دولت می‌کند درصورتی‌که در روستاها این موارد وجود ندارد. ۲- مبتنی بر اصول مدرن توسعه، دولت عملکرد خود را در شهرها بیشتر از روستا به نمود عینی می‌رساند و شکل ظاهری توسعه را نمایان می‌سازد ۳- بیشترین تراکم جمعیت در شهرهاست و از این طریق مشروعیت و رضایتمندی از خود را تضمین می‌نماید و ۴ - به جهت ارزش‌افزوده سرمایه‌گذاری در شهر بیشتر از فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی نقاط روستایی است و سرمایه‌گذاری عمومی و اقناع بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری سهل‌تر از نقاط روستایی است و از این طریق جذابیت شهری را برای جذب سرمایه بیشتر در برابر روستا افزایش می‌دهد در چهار سال گذشته سه طرح مشاغل کوچک روستایی از طرف دولت برای روستاهای اطراف شهر و دریاچه ارومیه تهیه شده است ولی دولت نتوانسته بانک‌ها را برای پرداخت اعتبار و تسهیلات برای اجرایی سازی این طرح‌ها اقناع نماید و این طرح‌ها بلااستفاده باقی ماندند، ولی در برابر آن میزان سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی قابل شاهد در شهر و دولت با بودجه‌ها رابطه سستی است. این روابط ضعیف، اول اینکه ناشی از تراکم کم طبقه متوسط در روستاها که باعث تضعیف مداخله و مشارکت در تغییرات سیاست‌های دولتی می‌شود، است. دوم، فاصله روستا از محل استقرار نهادهای مدیریتی دولتی مسئله دیگری است که روابط بین

[۱] - طرح توسعه و ایجاد مشاغل خانگی روستایی با حمایت مالی ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۲۰۱۹

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

دولت و روستاها را به حداقل می‌رساند، سوم، تراکم کم‌جمعیت روستاها که سرمایه‌گذاری‌های دولتی را از نظر اقتصادی توجیه نمی‌نماید؛ بنابراین در کشمکش ارتباطی قدرت میان شهر و روستا، روستاها بازنده منافع و حتی حقوق عمومی خود همچون بهره‌مندی از مزایای رشد اقتصادی، جریان سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی به روستا و... هستند که به‌تبع آن مشاغل کوچک روستایی به جهت شکنندگی بالا نسبت به فعالیت‌های کشاورزی که اغلب به جهت تأمین مواد غذایی موردحمایت دولت است بیشترین تأثیر منفی را می‌پذیرد.

۵) نتیجه‌گیری

در این تحقیق با تمام مشکلات در فقدان داده و اطلاعات مستند، رسمی و مطالعات مشابه، نشان داده شد که فعالیت‌های کوچک روستایی به جهت روابط شبکه قدرت میان دولت، فعالان فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی، صنعت شهری، مصرف‌کننده و نخبگان علمی، سبب گسترش روابط نابرابر میان شهر و روستا شده است. روابط فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی با عملکرد دولت، از مهم‌ترین ابعاد موردبررسی بود و یافته‌های پژوهش نشان داد که حمایت‌های قانونی و مالی دولت از فعالیت‌های تولیدی کوچک غیر کشاورزی، محدود بوده و غالب این حمایت‌ها، متمرکز بر بخش کشاورزی و پرداخت و هزینه-کرد یارانه در این بخش بوده است. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش تیپل[1](۲۰۰۶)، سنخیت بیشتری نشان می‌دهد. روابط فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی با صنایع دارای تولید مشابه شهری و دولت، شکل دیگری از تعارض منافع بین این دو بخش را به نمایش می‌گذارد و به‌عنوان رقیب و تهدید منافع همدیگر عمل می‌نمایند. علیرغم مزیت‌هایی چون مواد اولیه باکیفیت بالا، تولید به شکل ارگانیک‌تر و کیفیت تولید و قیمت مناسب برای تولیدات مشاغل غیر کشاورزی روستایی، شاهد تغییر موازنه به نفع صنایع شهری به دلیل برخورداری از نوع روابط این صنایع با دولت هستیم. رانت‌های ایجاد شده برای صنایع شهری از طریق روابط با دولت، بهره‌مندی از بیشترین تسهیلات بانکی، کسب مشوق‌های دولتی، تصاحب فرصت‌های بازاری ایجاد شده در داخل و خارج، بکار بستن ترفندهایی چون بهداشتی نبودن و سنتی بودن تولیدات روستایی، عدم رعایت قوانین کار و بیمه تولیدات روستایی، تهدید جدی علیه کسب‌وکارهای کوچک روستایی می‌باشد؛ موضوعی که یافته‌های یو و آرتز (۲۰۱۹) بر جذابیت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی مکان به‌عنوان مزیت نسبی و رقابتی در جذب ارزش‌افزوده، سرمایه انسانی و مالی کسب‌وکارهای صنایع شهری بر روستایی صحه گذاشته است. علیرغم وجود مزیت‌هایی چون قیمت پایین در تولیدات روستایی (با توجه به حذف بسیاری از هزینه‌ها نظیر هزینه‌های مالیاتی، بیمه‌ای، کارگری و انرژی و خودتأمینی مواد اولیه با قیمت نسبتاً پایین) برای مصرف‌کنندگان شهری، شاهد وجود اختلال جدی در روابط بین فعالان کسب‌وکارهای تولیدی غیر کشاورزی روستایی و مصرف‌کنندگان شهری هستیم. انقباض بیشتر بازار و منافع روستائیان، ناشی از در اولویت نبودن تولیدات روستائیان در سبد

[1]) Tipple

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

خانوارهای شهری و تولید گفتمان‌های غیربهداشتی و غیراستاندارد بودن تولیدات روستایی از سوی مراکز علمی و نهادهای دولتی همانند دانشگاه‌ها و مراکز بهداشتی، می‌باشد.

به‌طورکلی، نتایج این تحقیق علاوه بر گسترش دامنه تئوریکی متناظر مدعی است که برای بهبود کسب‌وکار روستایی توجه به روابط متقابل قدرت میان ذینفعان مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی ضروری است. توجه به توسعه فعالیت‌های تولیدی کوچک روستایی (غیر کشاورزی) برای برداشته شدن فشار از روی منابع زیستی (آب‌وخاک) مورداستفاده در بخش کشاورزی و حفظ ظرفیت‌های انسانی و سرمایه‌ای جوامع روستایی، ضرورتی غیرقابل‌انکار می‌باشد. بدین منظور، برای متنوع‌سازی معیشت جوامع روستانشین موردمطالعه و توسعه مشاغل جایگزین بخش کشاورزی در این جوامع، حمایت از کسب‌وکارهای تولیدی غیر کشاورزی روستایی حائز اهمیت زیادی می‌باشد. بر این اساس، توسعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی،

تسهیل دسترسی خانوارهای روستایی به شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی، اعمال سیاست‌های تشویقی، حمایت مالی، ارائه تسهیلات، پرداخت یارانه‌ها از سوی دولت و نهادهای عمومی چون اصناف و تعاونی‌ها، برگزاری نمایشگاه‌های هفتگی و توسعه زیرساخت‌ها برای رونق‌بخشی به فعالیت‌های تولیدی کوچک غیر کشاورزی روستایی راهگشا خواهد بود.

۶) منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۵)، **نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۹۵**.
- تقدیسی، احمد؛ سکینه کرمشاهی و محسن شایان، (۱۳۹۷)، **ارزیابی رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در دستیابی به توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان دره-شهر**، جغرافیا و روابط انسانی، دوره شماره ۲ صص، ۶۲۲-۶۰۸.
- تقی‌بیگی، معصومه و حسین آگهی و علی‌اصغر میرک‌زاده، (۱۳۹۳)، **بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب**، پژوهش‌های روستایی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۳۱۰-۲۸۳.
- جوان، جعفر؛ امیرمحمد علوی‌زاده و مهدی کرمانی، (۱۳۹۰) **نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: شهرستان سمیرم**، جغرافیا، دوره ۹، شماره ۲۹، صص ۴۳-۱۷.
- جوان، فرهاد؛ حسن افراخته و وحید ریاحی، (۱۳۹۶)، **تحلیل قابلیت‌ها و موانع متنوع سازی معیشت در راستای توسعه پایدار روستایی (مورد مطالعه: شهرستان رضوانشهر)**، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۱۰۶-۹۳.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، (۱۳۹۶)، **گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان غربی**.
- عنابستانی، علی‌اکبر؛ سید هادی طیب‌نیا، حمید شایان و محمدرضا رضوانی، (۱۳۹۴)، **تحلیل موانع متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان**، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۳، شماره ۴ (شماره پیاپی ۱۰)، صص ۱۱۱-۸۷.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

- فلاح، محمدرضا، (۱۳۹۷)، **شناسایی پیشران‌های مؤثر در توسعه کسب‌وکارهای بسیار کوچک (میکرو) در بخش مشاغل خانگی روستایی**، تحقیقات بازاریابی نوین، دوره ۸، شماره ۳ (شماره پیاپی ۳۰)، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۹)، **قانون برنامه پنجم جمهوری اسلامی**.
- مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۰)، **قانون برنامه ششم جمهوری اسلامی**.
- محمدی، سعدی و خدیجه رستمی، (۱۳۹۸)، **تدوین راهبردهای متنوع سازی اقتصاد روستاها مورد: بخش خاوو میرآباد در شهرستان مریوان**، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۸، شماره ۲ (پیاپی ۲۸)، صص ۲۲۲-۲۰۱.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۴)، **حساب‌های منطقه‌ای**.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۷ و ۱۳۹۶)، **سالنامه آماری کشور و استان آذربایجان غربی**.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۸)، **نتایج طرح آمارگیری نیروی کار**.
- مرکز مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران، (۱۳۹۹)، **گزارش صادرات و واردت ایران در سال ۱۳۹۸**.
- نجفی، بهمن و لیلا صفا، (۱۳۹۳)، **بررسی کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه آن‌ها در مناطق روستایی**، کارآفرینی در کشاورزی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۳-۶۱.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۳۹۷)، **آمارنامه وزارت تعاون، کار، رفاه اجتماعی**.
- Balense, A. & Debebe, S. 2020, **Analysis of Income Diversification and Livelihood Strategies Among Pastoral and Agro-pastoral Households' in Southern Ethiopia,** Journal of Investment and Management, 9(3), 72-79.
- Barbieri, C. & Mahoney, E. 2009, **Why is diversification an attractive farm adjustment strategy? Insights from Texas farmers and ranchers,** Journal of rural studies, 25(1), 58-66.
- Barrett, C.B. Reardon, T. and Webb, P. 2001, **Nonfarm income diversification and household livelihood strategies in rural Africa: concepts, dynamics, and policy implications**, Food policy, 26(4), pp.315-331.
- Dicken, P. Kelly, P. F. Olds, K. & Wai-Chung Yeung, H. 2001, **Chains and networks, territories and scales: towards a relational framework for analysing the global economy**, Global networks, 1(2), 89-112.
- Dutta, S. 2020, **Development of the rural small manufacturing sector in Gujarat and West Bengal: a comparative study**, Development in Practice, 30(2), 154-167.
- Foucault, M. 1980, **Power/knowledge: Selected interviews and other writings**, 1972-1977. Vintage.
- Foucault, M. 1980, **Power/knowledge: Selected interviews and other writings**, *1972-1977*. Vintage.
- Fry, J. C. 1993, **One-way analysis of variance. In: Fry, J.C. (Ed.), Biological Data Analysis: A Practical Approach**, Oxford University Press, New York, USA, pp. 1–32
- Gautam, Y. & Andersen, P. 2016, **Rural livelihood diversification and household well-being: Insights from Humla, Nepal**, Journal of Rural Studies, 44, 239-249.
- Hansson, H. Ferguson, R. Olofsson, C. & Rantamäki-Lahtinen, L. 2013, **Farmers' motives for diversifying their farm business–The influence of family,** Journal of Rural Studies, 32, 240-250.
- Hellingman, C. 1992, **Newton's third law revisited**, Physics Education, 27(2), p.112.
- Hisrich, R. D. 1989, **Women Entrepreneurs: Problems and Prescriptions for success in the Future, in Women Owned Businesses**, (eds O'Hagan, Rivschum and Sexton) Praeger, New York.
- Khan, R. and Morrissey, O. 2020, **Income Diversification and Household Welfare in Tanzania 2008-13.**

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]

- Loison, S. A. 2019, **Household livelihood diversification and gender: Panel evidence from rural Kenya,** Journal of Rural Studies, 69, 156-172.
- Meets, H. Van Huylenbroeck, G. Vernimmen, T. Bourgeois, M. & Van Hecke, E. 2005, **Farm household survival strategies and diversification on marginal farms,** Journal of rural studies, 21(1), 81-97.
- Munson, C.L. Rosenblatt, M.J. & Rosenblatt, Z. 1999, **The use and abuse of power in supply chains**, Business Horizons, 42(1), 55-65.
- Schumacher, E. F. 2011, **Small is beautiful: A study of economics as if people mattered**, Random House.
- Smith, A. 2003, **Power relations, industrial clusters, and regional transformations: Pan-European integration and outward processing in the Slovak clothing industry,** Economic Geography, 79(1), 17-40.
- Tipple, G. 2006, **Employment and work conditions in home-based enterprises in four developing countries: do they constitute 'decent work'?** Work, employment and society, 20(1), 167-179.
- Tucker, C. Eakin, H. Castellanos, E.J. 2010, **Perceptions of risk and adaptation: coffee producers, market shocks, and extreme weather in Central America and Mexico,** Global Environ. Change 20, 23–32.
- Walker, E. Wang, C. and Redmond, J. 2008, **Women and work-life balance: is home-based business ownership the solution?** Equal Opportunities International, 27(3), 258-275.
- Yu, L. & Artz, G. M. 2019, **Does rural entrepreneurship pay?** Small Business Economics, 53(3), 647-668.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.40.8.3]